



این خیلی چیز مهمی است. ۱۴ خرداد ۱۳۹۲
سوما هر چه بکاریم درو می شود.

بعضی ممکن است در رای گیری شرکت نکنند؛ بعد بگویند چرا فلان کار نشد. شما باید شرکت می کردید و آن کسی را که فکر می کنید می تواند این کار را انجام دهد و می پسندید، انتخاب می کردید تا آن طور که می خواهید، بشود. نمی شود ما در انتخابات شرکت نکنیم؛ بعد نتیجه انتخابات اچانا آن طور که ما می پسندیم، نشود؛ سپس بگوییم چرا نشد! بله، وقتی انسان شرکت نکند، همین است.

جدای از ضرورت و لزوم ما در انتخاب هدف ها و مقاصد محسوس و نامحسوس که وجو - برگزاری پرشور انتخابات و حضور همگانی مردم در پای صندوق های رای، تضمین کننده امنیت کشور خواهد بود.

انتخابات نشان دهنده «عظمت، اقتدار و بصیرت ملی» است.

با وجود این تفاسیر و سخنان، گاهی هجمه تبلیغات منفی زیاد است، چرا؟ چون هنوز دشمنانی همچون اسرائیل، آمریکا و... منتظرند که نو دچار لغزش شوی. وقتی تو دلت سرد شود یعنی می تواند ملت ایران را دلسرد و بی روح کند. می تواند خون حاج قاسم ها و حججی ها و فخری زاده ها را پایمال کند و این یعنی سقوط...

انتخابات مهم است؛ هم برای ملت ایران مهم است، هم برای دشمن... برای دشمن چرا مهم است؟ دشمن اولاً مایل است که در انتخابات، مردم حضور چشمگیری پیدا نکنند، تا بتواند بگوید که مردم با انقلاب و نظامشان قهرند! ثانیاً می خواهد که مردم تحت تأثیر غوغاها و تهمت زنیها و هوچی گریها، دچار دهشت شوند و نتوانند نمایندگان حقیقی خودشان را به مجلس بفرستند. ۱۳ بهمن ۱۳۷۸

در ۳۷ سال گذشته میانگین مشارکت مردم در انتخابات عددی بین ۶۰ تا ۷۰ درصد بوده که آماری بسیار قابل توجه است و این یعنی تو تصمیم گرفتی انتخاب کنی. پس بیا و سهم خودت را، حق خودت را با انگشت به ثبت برسان اثر انگشتی که جایش روی تاریخ کشورت به یادگار می ماند و ارزشش از هر چیزی بالاتر است.

منتظر اثر انگشت ماندگارت هستیم...

نویسنده: طاهره زارعی زاده



ما ندگار اثر انگشت ۱۴۰۰

جمهوری اسلامی ایران! هیچ وقت به معنی جمهوری فکر کرده ای؟ عده ای می گویند مردم سالاری و عده دیگر آن را حکومت غیر سلطنتی می دانند. هر چه هست مردم حق حاکمیت بر سر نوشت اجتماعی خودشان، چه مستقیم و چه غیر مستقیم را دارند و این است نکته مهم.

چرا وقتی حق داریم خودمان تصمیم بگیریم از آن استفاده نکنیم؟ چه بسا به گفته شهید مطهری، انسان مختار آفریده شده و با فکر و تعقل می تواند تصمیم بگیرد. همچنین قضاوت و تحلیلش باعث رشد عقلی و فکری می شود. با این وجود بارها و بارها شده که بایک حرفی دلمان بلرزد از انتخاب... با خود بگوییم مگر انتخاب یک آدم چه تأثیری دارد؟

اولاً قطره قطره جمع گردد وانگهی دریا شود. اگر هریک از ما باخود تکرار کنیم که رای ما تأثیری بین هزاران رای ندارد و در پی عمل برنخیزیم چه می شود؟ «گاهی یک رای یا چند رای، در سر نوشت یک کشور اثر می گذارد. شما می توانید با رای دادن خودتان، شخص مؤمن صالح را به مجلس بفرستید. آن کسی که به مجلس رفت، در هنگامه حساس آن جایی که رای یک نماینده می تواند سر نوشت کشور یا یک قشر، یا سر نوشت اقتصاد را معین کند رای او کارساز خواهد بود. لذا هیچ وقت کسی نگویید که رای من چه تأثیری دارد.» ۲۶ بهمن ۱۳۷۸

دوما مظهر خدا باوری، مردم باوری و خود باوری باشیم.

به گفته مقام معظم رهبری «انتخابات مظهر هر سه باوری است که در امام وجود داشت و باید در ما تکلیف است. وظیفه ی ما است؛ تک تک آحاد ملت این تکلیف را دارند. مظهر مردم باوری است، چون انتخابات مظهر اراده ی آحاد مردم است؛ مردمنده که مسئولان کشور را به این وسیله انتخاب میکنند. و مظهر خود باوری است، چون هر کسی که رای در صندوق می اندازد، احساس میکند که به سهم خود در سر نوشت کشور دخالت کرده است، به سهم خود تعیین کرده است؛

درست تیری که باید بنشیند روی هدف

بسیاری از اتفاقات اطراف ما متأثر از انتخاب هایمان است .

اینکه چطور انتخاب کنیم؟ و چگونه باشیم؟ و چطور به دنیای مان رنگ واقعیت ببخشیم ارتباط زیادی به درک مان دارد. انتخاب درست زمانی محقق می شود که ما بتوانیم باعینک عقل و درک و فهم بالاتر از مفاهیم سطحی جهانی زندگی را بشناسیم .

انتخاب و شناخت روابط نزدیکی بهم دارند، آیا ما میتوانیم بدون شناخت یک موضوع دست به انتخاب در آن بزنیم؟

✓ تصمیم گیری درست یک مهارت است که باید به آن دست یابیم، و باید گزینه ای را انتخاب کنیم که مناسب به نظر برسد و انتخاب ما باید برای جهان اطرافمان هم دارای تاثیر مثبت باشد.

؟ آیا یک معلم میتواند بدون در نظر گرفتن ضریب هوشی متفاوت و استعداد های دانش آموزان شیوه ای برای آموزش انتخاب کند؟ در آن صورت، نتیجه مطلوب است؟ خیر شناخت شرط است. باید درک کرد که در تصمیم هایمان، خواه و ناخواه کسانی هستند که متأثر می شوند و شاید این درک چراغ راه و درستی انتخاب هایمان را آسانتر کند.

✓ باید هنر و آگاهی لازم را برای انتخاب کردن داشته باشیم که در غیر این صورت دست به

انتخاب های نادرست خواهیم زد.

✓ و روش دیگری که در تصمیم گیری درست بسیار مهم است استفاده از تجربیات دیگران هست، تجربه های خوب ما را میسازند 🍀 و تجربه های بد موانع راه را نشان میدهند.

✓ در تصمیم گیری درست باید ذهن و تفکر آدمی زیبا و قدرتمند باشد، خواندن قرآن کریم علاوه بر آرامش در قلب باعث رشد روح نیز میشود و برای بسیاری از مسائل دلیل و برهان هایی میتوان از آن ذکر کرد و درست انتخاب کرد. 🍀❤️

✓ در یک سخن ساده ما با عقل و فکرو شناخت خود میتوانیم با چشم باز درست انتخاب کنیم، برای مثال در تصمیم گیری های مهم، مثل انتخاب ریاست جمهوری نباید تحت تاثیر رسانه ها و اقناع ها قرار بگیریم؛ جهان ما جهان بازیست و ما متفکرانی قدرتمند پس نباید سرنوشت یک کشور را بر احساسات ساخت.



نویسنده : زینب بادیا

که گروه خونی دغدغه‌اش با من امروزی و جامعه کنونی یکی باشد.

باید کسی را انتخاب کرد که بداند مصلحت اندیشانی که در پس چهاردیواری های نادیده مملکت را اداره می‌کنند و خواهند کرد، در وهله اول نیاز به کلاس درسی دارند، که نه بخاریش آتش زاف باشد و نه سقفش سست که مدتی یکبار عزم آوار شدن کند. ابتدا باید پایه را ساخت تا قله را دید. باید دست بر انتخاب کسی زد، که از اختصاص بودجه ای کلان برای آموزش دست و دلش نلرزد و شکش یقین باشد.

نظام تعلیم و تربیت چونان قلبی که معلم، حکم رگ و خون را بر آن دارد و آنکه چند سالی یکبار مسئولیت نگاهداری و حفظ آنرا برعهده می‌گیرد باید اجابت خواسته هایمان را در کلام صدقش، و دو دوی عمل را در چشمانش بتوان لمس کرد.

ای معلم، دماوند تکیه بر شانه های تو دارد، ارونند و کارون فرش راحت میشوند و کاغذها برای در آغوش گرفتن نوشته های جان می دهند. تو امروز مسئولیتی بس شگرفت بر دوش داری.

مسئولیتی توام با آموزش از شیر جانت، آموزشی که اگر با عشق و به زبان خود آموزنده باشد، مجازیش هم سیگنال به سیگنال به بطن و عمق جان آموزنده دانش واقعی رخنه می‌کند. آنچه تو برای تعلیم برمی‌گزینی و آنکس که امروز انتخاب میکنی، وصله به جان آینده تک تک دانش آموزانت است.

پس انتخاب امروزت را تنها یک انتخاب معمولی و رفع تکلیف ندان. بلکه مسهل راه خویش و معین سرنوشت وطن بدان.



بر هیچکس پوشیده نیست، که معلمی پیشه انبیاء است و معلمان ردای انبیاء به تن دارند و اعجازشان تربیت نسل حال، برای ساختن آینده ای پوشیده در هاله ای از ابهام، با اتکا بر بازوی دانش خویش است.

افزون بر تعلیم، باید دست نوازش مادری باشند بر سر و سایه امن پدری باشند بر ترس های دانش آموزانشان.

انتخابات با حق انتخاب و رای یک یک ماست که به جریان سازندگی لقب خورده و من و شما پرورش یافتگان نسل های پیشینیم که تاکنون در ساختن امروز وطن دخیل بودیم. حال با ورق خوردن این روزگار قرعه پرورش نسل های بعدی و سازندگان این ملت، به نام ما در آمده. پس بی جهت نیست اگر بگوییم دستگاه آموزش و پرورش چونان مادر و تربیت کننده نیروی انسانی، تمامی دستگاه های کشور است.

معلمی که روزی دستش را حایل دستان نویسای دانش آموزانش میکرد تا الفبای زندگی را دیکته کنند، حال همان دست ها با حق انتخاب خود باید برای میهن خویش تصمیم بگیرند. آن زمانی که مردم برای نخستین بار به پای صندوق های رای شتافته و حداکثر آرا را با **آری** به این نظام رقم زدند، در جواب به آنان، ریشه کن شدن حجم زیادی از بیسوادی، تولیدی بودن علم و دانش، باسواد شدن زنان و دختران جامعه و تعلیم اختصاصی کودکانی با معلولیت های مختلف نیز به آنها استوار قدم **بله** گفتند.

علوم می که صرف اقتباسی بودن، منجر به زنده به گور بیسوادی شدن دختران بود و ناتوانان را به ناتوانی خویش اقناع می‌کرد، بعد انقلاب با به میز رسیدن معلمان واقعی، نسیمی به جان اهل دلان و تازیانه ای بر افکار پوسیده فکran زد. انتخاب باید انتخابی باشد،

مؤلفه‌ی حیات



دیپلماسی و موازین بین‌المللی سازگار نیست». امام فرمودند: «به درک! هرچه می‌خواهد به هم بخورد. ای کاش، خودم جوان بودم، می‌رفتم و او را می‌کشتم!» (خاطرات حجت‌الاسلام قرائتی، ج ۱، ص ۱۰۱).

۳- علم و تخصص

حضرت علی علیه‌السلام در عهدنامه‌ی مالک، خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «وَتَوَخَّ مِنْهُمْ أَهْلَ التَّجَرِبَةِ وَالْحَيَاءِ؛ کسی را انتخاب کن که اهل تجربه و حیا باشد.

شهید چمران معتقد بود کسی که عهده دار مقام و مسندی می‌شود، ولی تخصص لازم برای مدیریت در آن مسند را ندارد، درواقع تعهد هم ندارد؛ زیرا انسان متعهد، هیچ‌گاه به خودش اجازه نمی‌دهد کاری را قبول کند که از علم و توانش خارج است.

همان‌طور که از ایشان پرسیدند: «تعهد بهتر است یا تخصص؟» وی در جواب گفت: «می‌گویند تقوا از تخصص لازم‌تر است، آن را می‌پذیرم اما می‌گویم آن‌کس که تخصص ندارد و کاری را می‌پذیرد، بی‌تقواست».

ارزش تخصص و داشتن علم و دانش نزد شهید چمران تا جایی است که او در یکی از یادداشت‌های شخصی‌اش چنین بیان می‌کند: ای خدا، من باید از نظر علم، از همه بهتر باشم. مبدا دشمنان مرا از این راه طعنه زنند. باید به آن سنگدلانی که علم را بهانه می‌کنند و به دیگران فخر می‌فروشند، ثابت کنم خاک‌پای من هم نخواهند شد؛ باید همه آن تیره‌دلان مغرور و متکبر را به‌زانو درآورم و آنگاه خود، خاضع‌ترین و افتاده‌ترین فرد روی زمین باشم.

این سخن، برگرفته از روایت پیامبر مکرم اسلام (ص) که می‌فرمایند: کسی که امور مسلمین در دست اوست، اگر کارگزار و مدیری را به کار گمارد، درحالی که می‌داند در میان مسلمانان فردی وجود دارد

موارد زیر را باید با تحلیل و ذهنی فعال در نمایندگان جست و جو کنیم:

۱- تقوا

مقام معظم رهبری مدظله‌العالی می‌فرمایند: «اگر در نظامی، مسئولان نظام باتقوا باشند، فساد در آن نظام راه پیدا نمی‌کند».

تقوا یعنی اگر کار پنهان شخص آشکار شد، از خدا و مردم خجالت نکشد. آیت‌الله مجتهدی تهرانی رحمه‌الله‌علیه می‌فرمودند: «تقوا یعنی اگر یک هفته، مخفیانه از همه‌ی کارهای ما فیلم گرفتند و گفتند اعمال هفته‌ی گذشته‌ات در تلویزیون پخش شده، ناراحت نشویم».

۲- شجاعت

حضرت علی علیه‌السلام می‌فرمایند: رهبر نیازمند سه چیز است: قلب متفکر، زبان گویا و دل پر جرأت و قاطع در برابر اجرا بی‌حق.

شجاعت و قاطع بودن در برابر حق یک ویژگی بسیار مهم برای شغل‌های حکومتی است چراکه دفاع از حقوق ملت و گفتن حرف حق ولو اینکه به ضرر خود فرد باشد نیازمند داشتن چنین ویژگی‌ای است مقام معظم رهبری مدظله‌العالی می‌فرمایند: «امروز، من و شما به این شجاعت احتیاج داریم؛ ملت ایران به آن احتیاج دارد. هرکس که کارگزار این حکومت است، بیشتر احتیاج دارد». چنانچه پس از صدور فرمان قتل سلمان رشدی، مسئولان سیاست خارجی کشور، خدمت حضرت امام (ره) رسیده، عرض کردند: «آقا! این فتوای شما با قوانین

که برای آن مسئولیت شایسته‌تر و به قرآن و سنت آگاه‌تر است، در این صورت، قطعاً به خدا و رسول خدا و همه‌ی مؤمنان خیانت کرده است.

۴- لحظه شناسی و موقعیت شناسی

اگر افراد به موقعیت‌ها و زمان‌های خودشان آگاهی پیدا کنند، مشکلات نمی‌تواند آن‌ها را از پا دریاورد و دشمن نمی‌تواند آنان را فریب دهد. حضرت علی علیه‌السلام می‌فرمایند: «الْعَالَمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللُّوَابِسُ»؛ آن که نسبت به زمان خود دانا است، گرفتار امور اشتباه انگیز و مایه‌ی گمراهی نمی‌شود.

اگر افراد به لحظه‌ها و زمان‌های خودشان آگاهی پیدا کنند، مشکلات نمی‌تواند آن‌ها را از پا دریاورد و دشمن نمی‌تواند آنان را فریب دهد. به‌عنوان شاهد مثال می‌توان به سخنان رهبر معظم انقلاب اشاره نمود که می‌فرمایند: «عده‌ی توأبین، چند برابر عده‌ی شهدای کربلاست. شهدای کربلا همه در یک روز کشته شدند؛ توأبین نیز همه در یک روز کشته شدند؛ اما اثری که توأبین در تاریخ گذاشتند، یک‌هزارم اثری که شهدای کربلا گذاشتند، نیست! به خاطر اینکه در وقت خود نیامدند؛ کار را در لحظه‌ی خود انجام ندادند؛ دیر تصمیم گرفتند و دیر تشخیص دادند» (بیانات در دیدار اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۸/۱۰/۲۹).

۵- حمایت از مستضعفین

همه‌ی پیامبران الهی با مستضعفان بودند؛ در کنار آن‌ها و برای برپایی عدالت و حق. آنان چنین بودند و این‌گونه توصیه می‌کردند.

یکی از سفارش‌های مهم در وصایای شهدا، حمایت از مظلومین و مستضعفین و رسیدگی به آنان است چنانچه شهید

حسن آشتیانی در وصیت‌نامه خود فرمودند: «برادران و خواهران حزب‌اللهی، شما را توصیه می‌کنم به استقامت، تقوی، تعهد و اطاعت امر رهبری، مسئولیتی خطیر بر عهده داریم؛ تکرار می‌کنم مسئولیتی خطیر بر عهده داریم. خداوند متعال ناظر بر اعمال ما است. کودکان آواره‌ی فلسطینی، پیرزن نالان افغانی، مسلمین دربند سلاطین، به این انقلاب و این امت چشم دوخته‌اند».

۶- امتحان شده و مورد اعتماد

حضرت علی علیه‌السلام در عهدنامه به مالک می‌فرمایند: «وَلَكِنْ اخْتَبَرَهُمْ بِمَا وَلُوا لِلصَّالِحِينَ قَبْلَكَ فَأَعْمَدُوا لَأَحْسَنِهِمْ كَانُوا فِي الْعَامَّةِ أَثَرًا وَاعْرِفَهُمْ بِالْأَمَانَةِ»؛ لیکن، آنان را بیازمای به خدمتی که برای والیان نیکوکار پیش از تو، عهده‌دار بوده‌اند و بر آن کس اعتماد کن که میان همگان، اثری نیکو نهاده و به امانت از همه شناخته‌تر است او امتحان خود را پس داده (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

خداوند در آیه‌ی ۱۲۴ سوره‌ی بقره به امتحان پیامبران قبل از نبوتشان اشاره می‌کند که حضرت یوسف (ع)، سلیمان (ع)، داوود (ع)، موسی و ابراهیم (ع)؛ همگی قبل از نبوتشان، پارها و پارها امتحان شدند. امام حسین (ع) در شب عاشورا، یارانش را امتحان کردند. نور چراغ را کم کردند و فرمودند بروید، اما اصحاب تجدید بیعت کردند.

البته برای مسئولین در عرصه‌ی معنوی و اخلاقی، تخصصی و مدیریتی، روحیه و رفتار انقلابی و ویژگی‌های شایسته‌ی دیگری را در کلام معصومین و قرآن و نهج‌البلاغه می‌توان بیان نمود.

گردآورنده و نویسنده: زهرا ربیعی



برشی از مصاحبه با سرکار خانم ابوالحسینی معاون پرورشی و معلم جریان شناسی

تهیه مصاحبه و پیاده سازی متن: فاضله
نوری، مطهره زارع و مریم دهقانی

حضور در انتخابات چقدر روشن بودن آینده آموزش و پرورش تاثیرگذار خواهد بود؟ و شرکت یا عدم شرکت چقدر در اهداف تحول خواهانه معلمان موثر است؟

اگر بخواهیم مسئله را باز کنیم چون می‌خواهیم ریشه‌ای صحبت کنیم سعی می‌کنم کوتاه برایتان توضیح بدهم که شرکت در انتخابات یک فعل سیاسی است ما باید سیاست را فهم کنیم تا تاثیر گذاری های مختلفش را درک کنیم و درجه اهمیت آن را بفهمیم؛ در مورد سیاست آن چیزی که تا الان به ما رسیده فقط یکسری روابط مدیران است و عده‌ای که سعی دارند رئیس بشوند که احتمالا به خاطر مقام مقام و درجه است و یا به قولی بخورند و ببرند.

در صورتی که در بحث سیاست یک بخش عمیقی داریم که اگر مجال ش بود خیلی حرفها می‌شد زد اما من یک منبع معرفی می‌کنم، تاریخ سیاسی اهل بیت علیهم السلام، کتاب انسان ۲۵۰ ساله رهبر، برای اینکه مسئله سیاست را بفهمیم.

ما تصور می‌کنیم ائمه ما جانشینان خدا بر زمین هستند که صرفاً اخلاق و احکام شرعی را به ما برسانند در صورتی که هدف اصلی آنها همان طور که می‌گوییم "جانشینان خدا" اینست که خلافت کنند، بر مردم حکومت کنند. حکومت مگر چیزی غیر از سیاست است؟ سیاست یعنی چیزی که در راس قرار دارد و جامعه مردم را مدیریت می‌کند مدیریتی که از سوی خداست این اصل سیاست است. در نظام جمهوری اسلامی در دوره غیبت که ولی فقیه جانشین امام زمان (عج) است برای اینکه ولی فقیه بتواند بر جامعه مدیریت کند نیاز به بازو هایی دارد که یکی از آن بازوها قوه مجریه است که همان طور که در صحبت های اخیر رهبری شنیدیم و همه می‌دانیم که هیچ گروهی به اندازه قوه مجریه در جامعه مخصوصاً در زندگی افراد جامعه تاثیرگذار نیست. خیلی مهم است که ما می‌خواهیم چه کسی را انتخاب کنیم با توجه به تعریفی که از سیاست گفتند که یک ودیعه الهی است به دست انسان که ببینند چه کار می‌خواهی بکنی.

شما هر چقدر رئیس جمهور را قوی انتخاب کنید دارید قوت می‌دهید به حکومت آقا امام زمان (عج) دارید قوت می‌دهید به حکومت الله؛ خوب قاعدتاً در بحث آموزش و پرورش هم مهم است که چه کسی را برای این مسئله انتخاب می‌کنیم؛ اگر دیده طرفین باشد که من بیايند سند ۲۰۳۰ را اجرا بکنند یا اینکه دید طرفین باشد که من سند تحول آموزش و پرورش اجرا کنم خیلی قرار است تفاوت ایجاد کند در بچه های دبستانی ما، بچه های ما در دوره اول و دوم بچه های پیش دبستانی ما و دیدگاه و نگاه آن طرف را باید قطعاً بررسی

کنید اگر نگاهش به دست غرب است حتی در محتوا باید دقت کنید؛ ما چه اثر مطلوبی از غرب دیدیم؟
یک زمانی ما هیچ چیز نداشتیم و غیر از آن چیزی که غرب به ما می‌گفت که یک استبداد استعماری داشتیم زندگیمان را می‌کردیم و واقعاً چیزی نبود جز فلاکت. مردم انقلاب کردند و گفتند یک حکومت مستقل از طرف الله می‌خواهیم داشته باشیم. خوب الحمدلله این اتفاق افتاده دوباره خدایی نکرده کسانی بیایند روی کار که نگاهشان به دست غرب باشد و حواسشان نباشد که ما خودمان چقدر غنی هستیم و متأسفانه این اعتماد به نفس را نسبت به ملیت و مذهب خود نداشته باشند.

از همین تریبون به عنوان یک معلم باتجربه و قابل اعتماد چه توصیه ای به دانشجو معلمان در مورد انتخابات دارید و وظیفه ی معلمان و نومعلمان آینده در ایجاد تحول چیست؟

هیچ چیز به اندازه آن هدف والای معلم نمی‌تواند او را اقناع کند، قطعاً کسی که در این مسیر پا گذاشته است یا حذف بهترین چیزی که می‌تواند ارضا کند و ارتقا دهد و به آن درجه رضایت از خودش برساند که هیچ چیز نمی‌تواند معادل آن باشد این است که دغدغه تربیت و سعادت مخاطبانش را داشته باشد حالا فرق ندارد معاون، مدیر یا معلم

و هیچ چیز نمی‌تواند به اندازه این دغدغه، سازندگی برای خودش و دانش آموزانش داشته باشد در عین حال پیشنهاد می‌کنم که عزیزان دل ما در امور سیاسی ورود جدی نکنند و واقعاً سهم خواه باشند نه تنها ورود نکنند بلکه مطالبه گر باشند.

نقص وجود دارد ولی مسئله این است که قرار است با سکوت و کناره گیری ما چیزی حل بشود؟ قطعاً خیر، پس وقتی معلم ما با دید باز و فهم گشاده وارد مسائل بشود و آن مسائل را جلو ببرد قطعاً اولین اثر برای شخص خودش و بعد اثر گذاری روی مخاطبانش است.

واقعاً بگردیم اصلح را انتخاب کنیم ورود داشته باشیم نسبت به اینکه چه کسی قرار است مدیریت و ریاست این مسئله را برعهده بگیرد؛ اگر خدایی نکرده ما اینجا ها بی تفاوت ورود کنیم، می‌توانیم بگوییم در جریان معلمی و تربیت آن چیزی که باید به وجود بیاید در ماه ها به وجود نمی‌آید و آن تأثیری که باید بگذاریم را نمی‌گذاریم هر چقدر الان در این تاریخ درد مندانه ورود کنیم قطعاً قانون دنیا و قانون الهی کاری می‌کند که ما در مسیر درستی قرار بگیریم هرچند که ممکن است رنج‌های متحمل شویم.

.....

